

از نی نامه

گزیدهٔ مشنوی معنوی

انتخاب و توضیح:

دکتر عبدالحسین زرین کوب

دکتر قمر آریان

یادداشت ناشر

از میراث ادب فارسی، مجموعه‌ای است برای آشنا‌گردن علاقه‌مندان، از هر گروه و در هر سن، با آثار زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایران، به نوعی که این آشنایی مقدماتی بتواند انگیزه مطالعه و تتبّع بیشتر در این زمینه و انس با آن آثار شود. بدین منظور گزیده‌های مزبور طوری فراهم می‌آید که از نظر اندیشه و موضوع و رغبت‌انگیزی و دلپذیری و نیز از لحاظ زبان فارسی توجه خوانندگان را به خود جلب کند و در عین حال به صورتی ساده و مطبوع عرضه گردد. مقدمه فراهم آورنده متن در معروفی و ارزیابی اثر نیز بدان منظور به قلم می‌آید که به این مقصود کمک کند. این گزیده‌ها به اهتمام دانشمندان صاحب‌نظر و براساس متنی صحّح و انتقادی و معتبر فراهم می‌شود. بعلاوه، ضبط و تلفظ کلمات و اعلام مشخص است و اصول نقطه‌گذاری در آن رعایت می‌گردد تا مطالعه متن برای خوانندگان آسان باشد. آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و عبارات عربی که در متن آمده باشد نیز با اعراب‌گذاری است.

در پایان کتاب، لغات و ترکیبات و اصطلاحات، اسمی خاص،

عبارات عربی یا دشوار و پیچیده به ترتیب شماره صفحات و سطور (یا ایيات) توضیح داده می‌شود. این توضیحات بسیار مختصر و ساده و در حد ضرورت خواهد بود.

پیشنهادکننده این خدمت فرهنگی استاد و دانشمند گرانقدر و ادب‌پرور شادروان دکتر غلامحسین یوسفی بودند که طی سالیان عمر پربرکت خود خدمات شایان و ارزنده به زبان فارسی و فرهنگ ایران کردند؛ و آغازگر این مجموعه شدند.

ویرایش و سپرستی مراحل آماده‌سازی این مجموعه با همکارِ دقیق‌النظر ما، آقای کمال اجتماعی جندقی است که در این امور بیش از چهل سال سابقه خدمت دارند.

امید آن است که این مجموعه به صورت دعوت و مدخلی باشد برای ورود همگان بخصوص جوانان به جهان زیبای ادب و فرهنگ ایران.

و اگر ثوابی بر انتشار این مجموعه مترب تواند بود نثار روح پدرم مرحوم محمدعلی علمی و پدر بزرگوار و نیاکان او باد که عمر گرانمایه بر نشر کتاب نهادند و وجود شریفسان، نسل در نسل، همواره در خدمت ادب و فرهنگ این سرزمین مقدس بود.

علی‌اصغر علمی

فهرست

۴۴۷ تا ۴۴	مقدمه
۴۵ تا ۲۳۹	بخش اول: حکایات و دلالات
۴۷	دفتر اول
۸۳	دفتر دوم
۱۱۱	دفتر سوم
۱۴۷	دفتر چهارم
۱۶۸	دفتر پنجم
۱۹۴	دفتر ششم
۲۴۱ تا ۳۳۰	بخش دوم: گزیده ابیات و نکته ها
۲۴۳	دفتر اول
۲۶۰	دفتر دوم
۲۷۹	دفتر سوم
۲۹۱	دفتر چهارم
۲۹۸	دفتر پنجم
۳۱۴	دفتر ششم

۳۳۱	مقدمه دوم
۴۰۶ تا ۳۳۳	توضیحات
۴۱۹ تا ۴۰۷	لغت نامه
۴۴۵ تا ۴۲۱	پیوست ها
۴۲۳	۱. حسام الدین چلبی
۴۲۹	۲. فهرست آیات
۴۳۳	۳. احادیث و سخنان بزرگان
۴۳۷	۴. ترجمه آیات
۴۴۱	۵. ترجمه احادیث و اقوال

مقدمه

اگر مولانا جلال الدین بلخی، سراینده این عظیم‌ترین منظومه عرفانی در سراسر قرنها، می‌خواست غیر از این عنوان ساده متواضعانه مثنوی نام دیگری براین اثر بی‌همانند خویش بگذارد گمان دارم هیچ نام دیگری برازنده‌تر و شایسته‌تر از «نی‌نامه»، برای تمامت این کتاب پرآوازه نمی‌یافتد زیرا در ایات هجدۀ گانه آغازین این کتاب که از دیرباز به همین نام—نی‌نامه—شهرت دارد تمام لطایف و دقایق تجارب روحانی خویش را که موضوع تمام این مثنوی تعلیمی است به صورت رمز و کنایه به بیان آورده است و باقی مثنوی که شش دفتر کلان را دربر دارد در حقیقت جز شرح و تفسیر و بحث و تقریر اسرار و رموز این ایات نیست. این نکته‌بی است که سرّنی در جای خود آن را به بیان آورده است و اینجا حاجت تکرار نیست. آیا برای آنکه جرمه‌بی ازین طوفان سحاب معنی که در سراسر این دریای معارف و لطایف فرهنگ ایران موج می‌زند، ره‌آورد دوستداران این معانی گردد نام دقیق پرمعنایی ازین بهتر برای چنان گزیده‌بی می‌توان به خاطر آورد؟

سراینده بزرگ این شکرگفترين يادگار عرفان ايراني جلال الدین محمد بن محمد بلخی رومی در بلخ در سرزمین خراسان چشم به جهان گشود (۶۰۴ ه.ق) و شخصت و هشت سالی بعد در قونیه، تختگاه سلجوقیان روم، چشم از جهان

فروبست (۶۷۲). پس خواه او را بلخی بخواند خواه رومی بشمرند در جای خود درست است اما حق آن است که او یک انسان جهانی بود، در محدوده مرزهای زمانی و مکانی گنجایی نداشت—با این حال مثنوی عظیم او به زبان فارسی دری است و او نیز بارها در سخنان خویش خود را به خراسان منسوب می‌داشت. پدرش محمد بن حسین بلخی، معروف به بهاء ولد خطیب بلخ بود، در بلخ و خوارزم و بخارا و سمرقند مریدان بسیار داشت. مجالس وعظ او مستمعان بسیار گرد او فراهم می‌آورد و او در شهرهای ماوراءالنهر و خراسان برای وعظ و تذکیر غالباً سفرهای طولانی می‌کرد—سخنانش که گهگاه شامل اعتراض و انتقاد بر اوضاع عصر بود اعتقاد مریدان و مستمعان را در حق او می‌افزود—و آنها به رغم حکام وقت که محمد خوارزمشاه از آن جمله بود، نسبت به وی تکریم بسیار می‌کردند و او را سلطان العلماء می‌خوانندند.

سلطان العلماء که در خارج خانه او قاتش صرف وعظ و درس می‌شد و غالباً به سبب سخنان بی‌پروا که در حق حکام و علماء و سلطان برزبان می‌راند مورد خشم و پرخاش یا تحریک و آزار مخالفان واقع بود، در خانه او قاتش صرف مطالعه و عبادت و تربیت فرزند می‌شد و شور و هیجانی که در مناجات‌ها و در دعاها و اوراد خویش داشت پسر خردسال را بشدت تحت تأثیر گرفت—چنانکه او نیز از همان سالهای کودکی اوقات خود را غالباً در عبادت و تفکر و دعا و مناجات می‌گذراند و این احوال از همان ایام کودکی او را آماده ادراک لطایف و اسرار عرفان و حقایق کرد.

وقتی پدرش بهاء ولد، به سبب ناخرسندهایی که از طرز سلطنت خوارزمشاه و عمال او داشت یا بدان سبب که آوازه قدرت رو به اعتلاء مغول را شنیده بود و قلمرو خوارزمشاه را در معرض تهدید و ویرانی می‌دید، در عزیمت خروج از قلمرو پادشاه خوارزم مصمم شد و همراه خانواده و فرزندان به بهانه حج به قصد عراق و حجاز حرکت کرد (ح ۶۱۶). پرسش جلال الدین

محمد که با مادر و اکثر خویشان و پیوندان به این مهاجرت وادر شده بود دوازده سال بیش نداشت. معهذا مرتبی ولاای او سید برهان محقق که هم معلم وی و در عین حال شاگرد بهاء ولد بود، به این موکب کوچک نپیوست و جلال الدین خردسال که در صحبت او با درس و بحث آشنایی یافته بود—از صحبت و تعلیم او بی بهره ماند و ناچار باقی برنامه درس را در محضر پدر دنبال کرد، و در طی سفرها در هر شهر که بهاء ولد یکچند به توقف طولانی وادر می شد، جلال الدین هم از محضر علماء و مدرسان شهر چیزی فرا می گرفت. اما حالات روحانی پدر که با وجود سختی های سفر او قاتش همچنان بیشتر در عبادت و ذکر و دعا می گذشت در وی تأثیر می گذاشت—و او در آن سالهای بلوغ برخلاف اکثر همسالان خویش او قاتش صرف مطالعه و عبادت می شد و به حکم اقتضای محیط خانواده مجاهده با هواهای نفسانی و سرکوب کردن غرایز طبیعی را وجهه همت ساخت—واز همان ایام بشدت در خط درس و تفکر و عبادت و تأمل افتاد.

در طی این سفر مهاجرت که خانواده بهاء ولد از ماوراء النهر به خراسان و از آنجا به بغداد عزیمت داشت بر وفق پاره بی روایات در نیشاپور با شیخ عطار—فرید الدین محمد—عارف و صوفی و شاعر معروف خراسان هم دیدار کرد. عطار که سالهای پیری را می گذرانید، جلال الدین خردسال را که همراه پدر به دیدار او رفته بود بنواخت، استعداد او را نویدبخش نیل به مراتب کمال خواند و بنا بر مشهور نسخه بی از مثنوی اسرارنامه خویش را نیز به وی هدیه کرد. آیا این صحبت و این هدیه تا چه حد قریحة شاعری را در جلال الدین دوازده ساله برانگیخت؟ درین باب چیزی از روی قطع و یقین نمی توان گفت اما در مثنوی مولانا که سالها بعد به وجود آمد جای جای نشانه هایی از آشنایی او با اسرارنامه و با سایر آثار عطار ظاهر گشت.

بهاء ولد، هنوز در خراسان بود که آوازه هجوم مغول، سقوط بلخ، و فرار